

DOI: [10.22034/ACLR.2023.701185](https://doi.org/10.22034/ACLR.2023.701185)

دو فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی
سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۸۳-۱۰۱
مقاله علمی-پژوهشی

الگوهای مینوی شخصیت‌های گیتی؛ مطالعه موردی:

زردشت، جم و اژی‌دهاک

مینا کامبین *

چکیده

در *اوستا* دو دنیای مینوی و مادی قابل تشخیص است. دنیای مینوی شامل هستندگان مقدسی است که اهوره‌مزدا، امشاسپندان و ایزدان را شامل می‌شوند و از میان آنها اهوره‌مزدا در رأس و آشکارا تواناتر از سایرین است. درست پس از اهوره‌مزدا سپندمینو بسیار نزدیک به اهوره‌مزدا ظاهر می‌شود. انگره‌مینو نیز به صورت همزاد اما در تقابل با سپندمینو است. دنیای مادی نیز شامل شخصیت‌هایی است که زردشت در رأس آنها قرار می‌گیرد. زردشت والاترین شخصیت زمینی است و جم و اژی‌دهاک در مقابل یکدیگر در دنیای زمینی جزء شخصیت‌های شناخته شده اوستایی‌اند. به نظر می‌رسد که در شخصیت زردشت الگویی آسمانی دیده می‌شود که بر پایه الگوی شخصیت اهوره‌مزدا ساخته شده و همین موضوع در مورد سپندمینو و انگره‌مینو با جم و اژی‌دهاک دیده می‌شود. هدف از این مقاله بررسی این شخصیت‌ها و یافتن شباهت‌های آنها برای اثبات وجود الگویی

*دانش‌آموخته دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران،
minakambin@yahoo.com ایران.



تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

مینوی در شخصیت‌های مادی / اوستاست. بدین منظور ابتدا ویژگی‌های اهوره‌مزدا، زردشت، سپندمینو و انگره‌مینو، جم و اژی‌دهاک بررسی شده، سپس شباهت‌های آنها استخراج می‌شود. در پایان خواهیم دید که این شخصیت‌های زمینی در / اوستا از الگویی آسمانی و مینوی پیروی می‌کنند. داده‌های این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای گردآوری و از روش توصیفی-تحلیلی برای تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری استفاده شده و اساس پژوهش بر شواهد اوستایی قرار گرفته اما در مورد جم و اژی‌دهاک از شاهنامه نیز کمک گرفته شده است.

کلید واژگان: دنیای مینو؛ دنیای گیتی؛ زردشت؛ جمشید؛ ضحاک؛ / اوستا؛

شاهنامه

۱- مقدمه

در / اوستا ما با دو دنیای مینوی و مادی یا آسمانی و زمینی مواجهیم. در هریک از این دو دنیا شخصیت‌هایی وجود دارند که به آنها شکل داده و آن را قابل تشخیص می‌کنند. به عبارت دیگر هر دنیا با شخصیت‌های آن توصیف و شناخته می‌شود. اهوره‌مزدا مهمترین شخصیت مینوی است که آشکارا در رأس و تواناتر از سایرین توصیف می‌شود. بلافاصله پس از اهوره‌مزدا در گاهان سپندمینو پدیدار می‌شود که اگرچه بسیار نزدیک به او اما شخصیتی مجزاست و همراه با او انگره‌مینو به صورت دوقلو معرفی می‌شود. این سلسله مراتب با امشاسپندان و ایزدان ادامه می‌یابد (یسن ۲۸ و ۳۰، نک. *The Gāthās of Zarathushtra and the other old Avestan Texts*, 1991, I: 117, 118, 123). در دنیای زمینی نیز در سراسر / اوستا زردشت یکی از پربسامدترین و تأثیرگذارترین شخصیت‌های زمینی است که در وندیداد ۲ جم در کنار او قرار می‌گیرد و همینجا شخصیت و ویژگی‌های جم به خوبی نمایان می‌شود و درمی‌یابیم که آنجایی که جم از ارائه دین مزدیسنا به جهانیان سرباز زده و خود را ناتوان می‌بیند زردشت است که این وظیفه را به عهده می‌گیرد و جم تنها به فزونی‌بخشی هستی مادی مشغول می‌شود

(وندیداد ۲. نک. *Zoroastrien Les Livre de L'Avesta Les Textes sacré des*. 875-877 : 2016 *ou Mazdéens*). با دقت در متن *اوستا* می‌توانیم شباهتی بین ویژگی‌های اهوره‌مزدا در مینو با زردشت در گیتی بیابیم. در مورد سپندمینو و انگره‌مینو نیز شباهتی با جم و ضحاک دیده می‌شود. حال فرضیه‌ای مطرح می‌شود که شاید این تناظر نشانه وجود الگویی آسمانی برای این شخصت‌های زمینی باشد. به منظور اثبات این فرضیه پرسشی که مطرح می‌شود این است که چه تناظری بین ویژگی‌های هستندگان مقدس آسمانی و شخصیت‌های زمینی دیده می‌شود و این الگوهای آسمانی چه هستند؟ این مقاله تلاش می‌کند شباهت‌های بین شخصیت مینوی اهوره‌مزدا با شخصیت زمینی زردشت و همچنین بین سپندمینو و انگره‌مینو با جم و اژی‌دهاک را واکاوی کرده و بدینوسیله الگوی مینوی احتمالی را که این شخصیت‌های زمینی از آن پیروی می‌کنند بیابد.

داده‌های مربوط به این پژوهش به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. برای تبیین مسئله هر یک از این شخصیت‌ها در متن *اوستا* و همچنین *شاهنامه* به روش توصیفی-تحلیلی بررسی و شباهت‌های آنها روشن می‌شود، سپس این شباهت‌ها تجزیه و تحلیل شده تا در پایان بتوان تا حد امکان به نتیجه‌ای قابل پذیرش رسید. لازم به ذکر است در پژوهش حاضر اساس کار بر شواهد اوستایی قرار داده شده است. این مورد به ویژه در مورد زردشت صادق است چرا که در *اوستا* داده‌های کافی برای شناخت ویژگی‌های زردشت داریم. اما شناخت ویژگی‌های جم و اژی‌دهاک کامل نمی‌شوند مگر با توجه به *شاهنامه* به ویژه در جایی که پرداختن به تقابل دو شخصیت خیر و شرّ ضروری می‌شود. به همین سبب در مورد این دو شخصیت داده‌هایی از *شاهنامه* نیز به متن اضافه شده که در بخشی جداگانه قرار گرفته‌اند.

۱-۱- پیشینه پژوهش

به نظر می‌آید پژوهشی که مستقیماً به موضوع مقاله حاضر پرداخته باشد انجام نشده است. بیشتر پژوهشگران پیش از این به تأثیر فرآیندی معکوس در توصیف هستندگان مینوی پرداخته‌اند. بدین معنی که باور غالب این است که پدیده‌های زمینی در توصیف دنیای آسمانی مؤثر و این به معنی پیروی دنیای مینوی از دنیای گیتی است. به عنوان مثال مری بویس در جلد نخست کتاب تاریخ کیش زرتشت^۱ هر یک از اسوره‌های هند و ایرانی را یک مفهوم یا اندیشه تجریدی می‌داند (Boyce, 1975: 23). کلنز در مقاله‌ای با عنوان «زرتشت و اوستای قدیم» ذوات مذکور در *اوستای قدیم* را مفاهیمی انتزاعی دانسته که از تقابل اولیة زمین، آسمان و فضا منبعت است و آنها را به سه دسته تقسیم کرده است (کلنز، ۱۳۹۹: ۷۷)^۲. او همچنین اشاره می‌کند که آیین‌های زمینی به طریقی رمزی آفرینش اهوره‌مزدا را بر روی زمین بازآفرینی می‌کنند (همان: ۸۶) و با توجه به بند ۱۰ یسن ۵۱ وجود موجودی را که قرار دهنده پایه دروج^۳ است تشخیص داده و آن را جم می‌داند (همان: ۹۸). آنتونیوز نیز در «آفرینش و مزداپرستی رویارویی مفاهیم هخامنشی، گاهانی و کتاب مقدس»^۴ عنوان کرده که هخامنشیان با ساخت پردیس و کارهای دیگری که به خوبی و زیبایی انجام می‌دادند در حقیقت آفرینش اهوره‌مزدا را در نظر داشتند و کار آنها به نوعی بازآفرینی دوباره آفرینش او بوده است (Anthonioz, 2017: 39). گرشویچ در «رویکردهایی به گاهان» درباره دو مینوی خوب و بد در گاهان توضیح داده و ارتباطی بین این شخصیت‌ها و جم می‌بیند (گرشویچ، ۱۳۹۶: ۱۴۸ و ۱۴۹).

^۱ *A History of Zoroastrianism*

^۲ Zoroaster et L'Avesta ancien, *Quatre leçons au Collège de France*, Travaux de L'Institut d'Études Iraniennes de L'Université La Sorbonne Nouvelle 14, Paris, 1991.

^۳ عبارت اصلی در متن اوستایی: dāmōiš drūjō hunuš که کلنز از آن چنین تفسیری دارد.

^۴ "Création et Mazdéisme Confrontation Des Conceptions Achéménide, Gâthique et Biblique"

در برخی پژوهش‌ها نیز شخصیت‌های متضاد در جم را بررسی کرده‌اند. چهارم‌حالی، شعبان‌زاده و حسن‌آبادی در سال ۱۳۹۸، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تقابل دوگانه در داستان جمشید بر پایه نظریه لوی استروس» تقابل دوگانه را اصل بنیادین داستان جمشید می‌دانند و این داستان را به دو دوره سپاس و ناسپاسی تقسیم می‌کنند. ذبیحی و پیکانی نیز در سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل شخصیت دوگانه جمشید در روایات اساطیری از منظر نقد ساختارگرا» در شخصیت جمشید تقابل دوگانه خیر، شر و مرگ، جاودانگی را تشخیص داده‌اند.

به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی مستقل به شباهت، ارتباط و تأثیر و تأثر بین شخصیت‌های مادی که در گیتی حضور دارند با شخصیت‌های مقدس حاضر در دنیای مینوی نپرداخته است و لازم است چنین پژوهشی صورت بگیرد تا وجود و یا عدم وجود این ارتباط مشخص شده و بدینوسیله قدمی در راه شناخت جهان‌بینی پیشینیان برداشته شود.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- اهوره‌مزدا و زردشت

مهمترین، پربسامدترین و مقدس‌ترین شخصیت مینوی در *اوستا* اهوره‌مزداست، که در رأس و آشکارا قدرتمندتر از سایر هستندگان مینوی توصیف می‌شود. در دنیای زمینی نیز پرهیزکارترین و مقدس‌ترین شخصیت زردشت است که به گونه‌ای ویژه در رأس انسان‌های زمینی قرار گرفته است. حال با برشمردن ویژگی‌های این دو شخصیت می‌خواهیم تناظر آن دو را بیابیم.

۲-۱-۱- اهوره‌مزدا

برای شناخت شخصیت اهوره‌مزدا باید نخست معنی و مفهوم واژه، «اهوره‌مزدا» را دریابیم. واژه اهوره‌مزدا از دو واژه «اهوره» و «مزدا» تشکیل شده است. برای واژه مزدا ترجمه‌های مختلفی البته با معانی نزدیک به هم پیشنهاد شده است. این واژه را به معنی «attentif =

متوجه، هوشیار» (Kellens-Pirart, 1988, I: 283)، صورت ضعیف شده از نامی کهن‌تر یا «آگاه» (Bartholomae, 1904: 1162) و «آگاه» یا «گواه» (عالیخانی، ۱۳۸۹: ۹۴) دانسته‌اند. هومباخ در ترجمه گاهان این واژه را «دانا» معنی می‌کند (*The Gāthās of Zarathushtra and the other old Avestan*) (Humbach, 1957: 81-82) که در مجموع معنی «کسی که توجه می‌کند» دارد (Skjærvø, 2002: 402). با توجه به ریشه‌شناسی واژه این مفهوم می‌بایست علم و عقل و توجه همه جانبه، دقیق و پیوسته ایزدی را نشان دهد که باعث شده است «مزدا» را صفتی بدانند که دلالت بر علم خداوند دارد (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۵۲)، افزون بر آن عالیخانی واژه «مزدا» را در گاهان به معنی ذات همه‌آگاه یا شاهد مطلق می‌داند (همو، ۱۳۸۹: ۸۵).

اهوره در ریگ‌ودا/ به صورت «اسوره» به معنی «سرور» آمده است. این واژه لقبی بوده برای گروهی از خدایان قدیمی‌تر که در نقش پدر برتری و حکمرانی نسبت به سایر خدایان داشتند؛ با ورود باور دوگانه‌گرایی بود که اسوره‌ها به دو گروه تقسیم شدند. برخی به عنوان دوها پذیرفته شدند و برخی دیگر به دنیای زیرزمین تبعید شدند (Kuiper, 2011: 683). برخی پژوهشگران واژه «اهوره» را اسم می‌دانند از اسم ahū به معنی سرور و رد (Reichelt, 1911: 220, Bartholomae, 1904: 296, ۱۳۹۷: ۳۳۳). برخی دیگر اهوره را نیز مانند مزدا صفت می‌دانند. شروو اهوره و مزدا را صفت می‌داند که به خویشکاری‌های اهوره‌مزدا اشاره می‌کند: فرمانروایی جهانی و داوری (Skjærvø, 2002: 400). مشهورترین ریشه‌ای که برای واژه اهوره مطرح شده ریشه ah- به معنی «بودن» است. اما ریشه دیگری نیز پیشنهاد شده که ریشه *h²o/ans- هند و اروپایی است که در هیتی فعل hās-/hašš- را به معنی تولید کردن یا به دنیا آوردن و تولید مثل کردن و واژه haššu- به معنی شاه ساخته است که با مفهوم ارابه‌رانی و تسلط و هدایت

بر اسب‌های اربه ارتباط داشته است (Watkins, 1995: 8-9). اهوره با مفهوم سروری، تسلط و توانایی انطباق دارد. نیرویی در رأس و مسلط است و چنانچه ریشه‌شناسی واتکینز را بپذیریم نیروی مسلطی است که می‌تواند باعث به حرکت انداختن قوه فطری باشد. این خود تأییدی است بر این نظر که اهوره را صفتی مربوط به فاعلیت خداوند می‌دانند (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۵۲). عالیخانی «اهوره» را صفتی برای حق به اعتبار ظهور او در آفاق و «مزدا» را صفتی برای حق به اعتبار انکشاف او در انفس می‌داند (همان: ۵۴). افزون بر تفاوت معنایی دو واژه اهوره و مزدا، استعمال جداگانه این دو واژه در متن گاهان و همینطور تفاوت‌هایی که در کارکرد این دو واژه در متن گاهان دیده می‌شود پژوهشگران را بر آن داشته است که این دو را دو شخصیت جداگانه با خویشکاری‌های متفاوت بدانند (همان: ۵۲-۵۴)، به طوری که اصل موبدی را به مزدا و اصل شهرباری را به اهوره متعلق دانسته و از معانی مزدایی دانایی، نور و آتش و از معانی اهورایی آفریدگاری استنباط کرده‌اند (همان: ۶۱-۶۳). با این حال وقتی «اهوره» و «مزدا» در کنار هم قرار می‌گیرند به صورت یک وجود واحد صفت آفرینندگی را از خود بروز می‌دهند. بنابراین می‌توانیم «اهوره‌مزدا» را وجود یکپارچه‌ای بدانیم که صاحب دو جهت عقلی و فعلی است، وجود هوشمندی که توانایی هستی بخشی دارد و همین ویژگی او را در رأس قرار داده است.

۲-۱-۲- زردشت

شخصیت زردشت را می‌توانیم از بندهای ۶، ۷ و ۸ یسن ۲۸ بشناسیم. در این سه بند شخصیت‌های زردشت، گشتاسب و فرشوستر جداگانه معرفی می‌شوند، اما در هر سه بند زردشت حضور دارد، اگر چه که نام او آشکارا ذکر نمی‌شود:

۶- «با وهومنه بیا، با اشه ببخش، بخشش دیرپا را

با سخنان نیرومند پشتیبان پر قدرت را برای زردشت هر آینه ای مزدا!» (یسن ۲۸ بند ۶، نک. *The Gāthās of Zarathushtra and the other old Avestan Texts*, 1991,

در این بند از وهومنه و اشه برای زردشت بخشش طلب می‌شود. افزون بر آن این سخنان زردشت است که برای او پشتیبان قدرتمند را فراهم می‌کند. پس زردشت صاحب کلام نیرومند است.

۷- «ای اشه! این پاداش را، آیفتهای وهومنه را بده

تو ای آرمیتی! برای گشتاسب و من نیرو را بده

ای مزدا! تو ببخش و نیز فرمان بده، باشد که با آن مانثره بخشش‌های شما را بشنویم»
(یسن ۲۸ بند ۷، نک. *Ibid*)

در این بند صحبت از گشتاسب است که از آرمیتی و مزدا برای او و همینطور زردشت طلب آیفته می‌شود. در این بند همچنین از مانثره سخن به میان آمده است. با این که ما گشتاسب را بیشتر به عنوان پادشاه می‌شناسیم اما در اینجا بیشتر با چهره‌ای فرزانه مواجهیم که با آرمیتی و مانثره در ارتباط است و او را با جنبه‌ی مزدایی مزدا اهوره مرتبط نشان می‌دهد. ضمیر «من» نشان می‌دهد که در این بند زردشت هم حضور دارد و بنابراین چهره‌ی فرزاندگی گشتاسب در زردشت هم نمودار می‌شود.

۸- «تو بهترین را، ای بهترین، هماهنگ با بهترین اشه،

اهوره را می‌خواهم عاشقانه، برای فروشتر پهلوان نیز برای من

نیز برای آنهایی که آن را خواهی بخشید، برای همه‌ی زمان‌هایی که با وهومنه (سپری می‌شود)» (یسن ۲۸ بند ۸؛ نک. *The Gāthās of Zarathushtra and the other*

(old Avestan Texts, 1991, I: 119

در این بند فروشتر به عنوان پهلوان ظاهر شده، همچنین آرزوی رسیدن به اهوره برای او و زردشت شده است. این بند فروشتر و زردشت را با سوی اهورایی مزدا اهوره مرتبط می‌کند.

بنابراین این سه بند زردشت را دارای دو جنبه‌ی مزدایی و اهورایی نشان داده، همان دو جنبه‌ی عقلی و عملی که در اهوره مزدا گردآمده و آفرینش را ممکن کرده است.

۲-۲- سپندمینو و انگره‌مینو، جم و اژی‌دهاک

خیر و شرّ به صورت سپندمینو و انگره‌مینو در گاهان از نخستین مراتب هستی پدیدار می‌شود. درست پس از مزدا اهوره سپندمینو نخستین مرتبه از آفرینش هستی است که در مقابل آن انگره‌مینو- که در گاهان بیشتر به صورت اک‌مینو یا مینوی بد نامیده می‌شود- ظهور می‌یابد. این دو در یسن ۳۰ به عنوان دوقلو معرفی می‌شوند (یسن ۳۰ بند ۳؛ نک. *The The Gāthās of Zarathushtra and the other old Avestan* (Tetxs, 1991, I: 123) که نشانه ظهور هر دو همزمان در کنار یکدیگر است. هر کدام از این دو وجود در بالاترین مرتبه قرار دارند و سایر هستندگان نیک و بد به دنبال آنها قرار می‌گیرند. در گاهان تأکید می‌شود که این دو در اندیشه و گفتار و کردار کاملاً با یکدیگر مخالفند و هرگز شباهتی بین آنها نخواهد بود و نیک و بد به وسیله این دو در جهان مادی معنی شده و ظهور می‌یابد (یسن ۳۰ بند ۴؛ نک. *The Gāthās of Zarathushtra and the other old Avestan Texts*, 1991, I: 124).

جم در کسوت انسان-پادشاه، همیشه یادآور پادشاهی آرمانی است. در *اوستا* آمده است که در دوره او نه باد سرد است، نه باد گرم، نه پیری و نه مرگ (وندیداد ۲ بند ۵ نک. *Les Livre de L'Avesta, Les Textes sacrés des Zoroastrien ou Mazdéens*, 2016: 876) اما این پادشاهی پایانی دارد. پس از گریزان شدن فرّه، او همه مزایای خود را از دست می‌دهد. در *اوستا* نقطه مقابل و دشمن جم، «اژی‌دهاک سه کله سه پوزه شش چشم» است که در *شاهنامه* با نام ضحاک شناخته می‌شود و نمونه‌ای از پادشاهی بد را معرفی می‌کند. اما در گاهان نه از اژی‌دهاک خبری داریم و نه از ضحاک بلکه با این شخصیت در *اوستای* جدید آشنا می‌شویم.

۲-۲-۱- سپندمینو و انگره‌مینو

در یسن ۳۰ بند ۱ برای نخستین بار در گاهان مینوی نیک و بد در کنار یکدیگر ظاهر می‌شوند. در این بند آشکارا مینوی نیک و بد به عنوان دوقلو معرفی می‌شوند:

«آن دو مینوی آغازین توأمان را که در رؤیا شنیده شدند

آن دو، دو اندیشه، دو گفتار، دو کردار، بهتر و بد» (یسن ۳۰ بند ۳ نک. *The Gāthās*
(of Zarathushtra and the other old Avestan Texts, 1991, I: 123

اگرچه استفاده از واژه yēma به معنی دوقلو بیانگر توأم بودن این دو مینو در لحظه آفرینش هستی نخستین است، اما در عین حال یادآور واژه yima- جمشید نیز هست. در این بند این دو مینو «آغازین» معرفی شده‌اند. در سراسر گاهان سپندمینو هستنده‌ای مینوی است که پس از اهوره‌مزدا قرار می‌گیرد و آنقدر به اهوره‌مزدا نزدیک است که برخی از پژوهشگران او را خود اهوره‌مزدا دانسته‌اند (Boyce, 1975, I: 193). با این حال از آنجایی که اهوره‌مزدا پدر سپندمینو معرفی می‌شود (یسن ۴۷ بند ۳، نک. *The Gāthās*
(of Zarathushtra and the other old Avestan Texts, 1991, I: 174 دو شخصیت جدایند که بین آن دو اهوره‌مزدا شخصیت غالب است (گرشویچ، ۱۳۹۶: ۳۴). عالیخانی سپندمینو را روشن نگاهدارنده چراغ الهی عالم می‌داند (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۸۳) چرا که او همه جا به هستی و زندگی ارتباط دارد. در گاهان سپندمینو با زندگی و انگره مینو با مرگ ارتباط دارد:

«چو این دو مینو به هم می‌رسند نخست زندگی و نازندگی آفریده می‌شود» (یسن ۳۰/ بند ۴، نک. *The Gāthās of Zarathushtra and the other old Avestan Texts*,
(1991, I: 124

آفرینش سپندمینو و انگره‌مینو راه را برای گزینش بین خیر و شرّ باز کرده و اینجاست که خوب و بد مفهوم پیدا می‌کند. بنابراین انتخاب سپندمینو به معنی انتخاب زندگی و انتخاب انگره‌مینو به معنی انتخاب نازندگی است. توجه باید کرد که در این بند از واژه مرگ در مقابل زندگی استفاده نمی‌شود بلکه از دو واژه gaēm و ajiiāitīm استفاده شده است که هر دو از ریشه gay- به معنی زندگی کردن ساخته شده‌اند. پس اینجا اصل موضوع زندگی است و نه مرگ و مرگ در کنار زندگی است که مفهوم پیدا می‌کند. سپندمینو نماینده هستی/ زندگی و انگره‌مینو نماینده نیستی/ نازندگی است.

۲-۲-۲-جم و اژی‌دهاک

جم و اژی‌دهاک در شاهنامه با نام‌های جمشید و ضحاک شناخته می‌شوند. اگر چه این شخصیت‌ها در دو منبع یاد شده مفاهیمی نزدیک به هم را منتقل می‌کنند اما به دلیل تفاوت‌هایی که در ظاهر و شرح مطالب دارند و برای جلوگیری از خلط مطالب در دو بخش جداگانه ذکر می‌شوند.

۲-۲-۱-جم و اژی‌دهاک در اوستا

در گاهان نام جم (yima-) یک بار در یسن ۳۲ بند ۸ آمده است: «به آن گناهان، جم پسر ویونگهه نامدار شد» (یسن ۳۲ بند ۸ نک. *The Gāthās of Zarathushtra and the other old Avestan Texts*, 1991, I: 133) در متن‌های اوستای جدید جم با صفت‌های زیبا (sīra-) و خوب‌رَمه (huθβa-) همراه است. جم نخستین کسی است از مردمان که با اهوره‌مزدا همپرسی کرده است: «با جم زیبای نیک رَمه، اولین بار از مردمان با او همپرسی کردم» (وندیداد ۲ بند ۲ نک. *Les Livre de L'Avesta, Textes sacrés des Zoroastrien ou Mazdéens*, 2016 : 875).

او را صاحب پادشاهی آرمانی معرفی کرده‌اند:

«من برای جهان‌های تو آماده باشم به عنوان پاسدار، نگهبان و محافظ. در شهریاری من نه باد سرد، نه گرم، نه بیماری نه مرگ باشد» (وندیداد ۲ بند ۵، نک. *Les Livre de L'Avesta, Textes sacrés des Zoroastrien ou Mazdéens*, 2016 : 876).

در وندیداد ۲ زردشت و جم را در کنار یکدیگر می‌بینیم. زردشت مرد دین و جم مرد دنیا معرفی می‌شود. جم از انتقال دین اهوره‌مزدا سرباز می‌زند زیرا توانایی آن را ندارد و در عوض نگهبان و فراخ‌کننده جهان‌های اهوره‌مزدا می‌شود (وندیداد ۲ بند ۴، نک. *Ibid.*) جم در اوستا نگهبان زندگی است چرا که او جهان را گسترش می‌دهد تا مردمان، رَمه‌ها و ستوران مطابق میل خود زندگی کنند. در حقیقت او زندگی را گسترش می‌دهد. او حتی

سازندهٔ ور جمکرد است تا زندگی این جهان را از دیو سرما نجات دهد. جم همچنین در گوش یشت بند ۹ و ۱۰ از دوراسپ می‌خواهد که به او کمک کند تا آفریدگان مزدا را جاودان و مرگ را از آنان دور کند (یشت‌ها، ۲۵۳۶: ۱/۳۷۹) همین مطلب در رام یشت بند ۱۶ تکرار می‌شود. جم از وای می‌خواهد که در سلطنت خود بتواند مردمان را فناپذیر و آبها و گیاهان را خشک نشدنی کند (یشت‌ها، ۲۵۳۶: ۲/۱۴۸)

اژی‌دهاک شخصیتی است که در *اوستای* جدید ظاهر می‌شود. اژی‌دهاک در آبان یشت بند ۳۰ با نثار به اناهیتا از او می‌خواهد که به او یاری رساند تا همهٔ زمین را از مردم تهی کند (آبان یشت، ۱۳۹۲: ۶۶). او در بند ۲۰ رام یشت نیز آرزو دارد که همهٔ هفت کشور را از آدمی تهی کند (یشت‌ها، ۲۵۳۶: ۲/۱۴۹). در بند ۳۴ آبان یشت همچنین توضیح می‌دهد که اهریمن اژی‌دهاک را بر علیه جهان استومند و به منظور مرگ جهان راستی آفریده است (آبان یشت، ۱۳۹۲: ۶۸)، همین موضوع در رام یشت بند ۲۴ نیز تکرار می‌شود (یشت‌ها، ۲۵۳۶: ۲/۱۴۹)

می‌بینیم که همه جا جم در آرزوی زندگی و جاودانگی است و اژی‌دهاک در آرزوی مرگ و نابودی، به نظر می‌رسد جم با زندگی/ هستی و اژی‌دهاک با مرگ/ نیستی ارتباط دارد. می‌توانیم آنان را صورت شخصیت یافته، زمینی و انسانی شدهٔ سپندمینو و انگره‌مینو بدانیم که در گاهان به صورت دو همزاد تجسم یافته‌اند و در دنیای مینوی جم به عنوان نگهبان زندگی و اژی‌دهاک مسبب نازندگی ظاهر می‌شوند

اما واژهٔ جم (yima-) در اصل به معنی دوقلو است. این واژه در معنی دوقلو در یسن ۳۰ بند ۳ آمده است و این معنی باعث می‌شود برای او به دنبال همزاد باشیم. در متن‌های پهلوی و ودایی او با جمی یا جمیک که خواهر-همسر اوست همراه است (آموزگار، ۱۳۸۰: ۵۵). گویا در این متن‌ها جمیک را همزاد دیگر او فرض کرده‌اند با این حال هومباخ اشاره می‌کند که yima- می‌تواند به معنی «کسی که خوب و بد در او آمیخته است» باشد (Humbach, 1991, II: 49). در متن‌های ودایی یمه _ که برابر با همان جم در متن‌های اوستایی است _ پادشاه دنیای مردگان است. او درست برعکس جم همه جا با مرگ ارتباط

الگوهای مینوی شخصت‌های گیتی؛ مطالعه موردی: زردشت، جم و ازی‌دهاک ۹۵

دارد. کلنز دلیل موجهی برای این تفاوت نیافته و تلاش کرده با نظراتی دربارهٔ پل چینود آن را توجیه کند (کلنز، ۱۳۹۹: ۱۱۹-۱۲۲).

اگر چه در منابع متفاوت گناهان مختلفی برای جم ذکر شده است اما متن *اوستا* در زامیاد یشت نکتهٔ مهمی دارد. در بند ۱۹ این یشت آمده است: «*hīm aēm draogām*» این قطعه را هومباخ چنین ترجمه می‌کند: «اما هنگامی که جم به منظور تلاش در ناراستی سخن دروغ را باز تولید کرد» (Zamyād Yašt, 1998: 38). در این جمله از فعل *paiti.barata* استفاده شده است. ریشهٔ *bar-* با پیشوند *paiti-* وقتی همراه با مصدر می‌آید معنی آغاز کردن می‌دهد (Reichel, 1911: 242). احتمالاً جم نخستین کسی است که دروغ را به جامعهٔ انسانی وارد می‌کند که می‌تواند اشاره‌ای باشد به ورود شخصیت‌های اهریمنی به مراتب انسانی.

۲-۲-۲-۲-جم و ضحاک در شاهنامه

در منابع اوستایی جم گناهکار شده، فره از او گریزان می‌شود، اما برای شناخت بهتر جم چاره‌ای غیر از مراجعه به شاهنامه نداریم چرا که پایان عجیب زندگی او در آنجا به خوبی نمایان است. در شاهنامه پس از گناهکار شدن جمشید و دوری فره از اوست که ضحاک پدیدار و جمشید پنهان می‌شود:

نهان شد و گیتی بر او شد سیاه سپردش به ضحاک تخت و کلاه

(فردوسی، ۱۳۷۰: تباه شدن روزگار)

جمشید از دست ضحاک، ج ۱ / ۳۲)

ادامهٔ زندگی او در فرار و غربت می‌گذرد و با مرگی عجیب، با دو نیم شدن پایان می‌یابد:

چو صد سالش اندر جهان کس ندید ز چشم همه مردمان ناپدید

به ارّهٔ مراو را به دو نیم کرد جهان را از او پاک و بی بیم کرد

(همانجا)

اگر جمشید نمادی از بهترین شهریاری است در مقابل ضحاک نمادی از بدترین شهریاری است، پس هر کدام می‌توانند نمادی از دو روی یک عنصر واحد باشند. پیش از این نیز دوگانگی و تقابلی را در شخصیت جم تشخیص داده‌اند و این تقابل را از نوع تقابل بین زندگی و مرگ دانسته‌اند و برای او دو نیمه شخصیتی، یکی کاملاً اهورایی و دیگری کاملاً اهریمنی قائل شده‌اند (ذبیحی، پیکانی، ۱۳۹۷: ۴۸ و ۴۹). شاید وجه دیگر شخصیت جم که به صورت ضحاک در شاهنامه و اژی‌دهاک در اوستا پدیدار شده همان همزاد دیگر جم است که با گناهکار شدن جمشید پدیدار می‌شود. شاید مرگ عجیب جمشید که با دو نیم شدن انجام می‌شود بیانی رمزی از جدایی همین دو نیمه شخصیت اوست. بنابراین باز هم همان الگوی توأمانی که در گاهان در مورد سپندمینو/انگره‌مینو می‌بینیم را در جمشید/ضحاک نیز می‌توانیم تشخیص دهیم. ازسویی دیگر با مراجعه به شاهنامه در می‌یابیم که تا پیش از جمشید خبری از جنگ بین آدمیان نیست بلکه جنگ بین انسان‌ها و دیوان است و جنگ میان آدمیان از دوره جمشید آغاز می‌شود (چهارمحالی، شعبان‌زاده، حسن‌آبادی، ۱۳۹۸: ۲۲) گویی جمشید آغازگر چیزی است که تا آن زمان در گیتی و میان آدمیان بی‌سابقه بوده است. آنچه که هنوز جنبه‌های مینوی خود را حفظ کرده بود از دوره جمشید تبدیل به حوادثی کاملاً مادی و مربوط به دنیای انسانی و زمینی می‌شود. تا پیش از این دوره، شرّ و دنیای اهریمنی جنبه مینوی داشته اما از دوره جمشید به بعد شرّ و اهریمن زمینی شده و تقابل بین خیر و شرّ به دنیای مادی آدمیان راه می‌یابد. همه این موارد ارتباط بین جمشید (جم)/اژی‌دهاک (ضحاک) را با سپندمینو/انگره‌مینو نشان می‌دهد که اولی در دنیای مینوی و دومی درست شبیه همان ویژگی‌ها به دنیای مادی منتقل شده است.

۳- نتیجه‌گیری

با تجزیه و تحلیل متن *اوستا* و ریشه‌شناسی واژه «اهوره‌مزدا» دیدیم که اهوره‌مزدا شخصیتی است که در رأس قرار گرفته و پربسامدترین شخصیت مینوی است. او خود از دو جهت عقلی و قدرتی بهره‌مند است. جهت عقلی او در نام مزدا و جهت قدرتی او در نام اهوره تجلی یافته است. از سویی در بند ۶، ۷ و ۸ یسن ۲۸ روشن می‌شود که زردشت نیز که سرآمد آدمیان در دنیای مادی است دارای همان دو وجه مزدایی/فرزانگی و اهورایی/پهلوانی است. به نظر می‌رسد می‌توانیم الگوی یکسانی بین دو شخصیت اهوره‌مزدا و زردشت تشخیص دهیم. شاید آنچه که در ویژگی‌های اهوره‌مزدا در مرتبه مینوی وجود داشته در مرتبه زمینی به شخصیت زردشت راه یافته است.

چنانچه همین مقایسه را در مورد سپندمینو و انگره‌مینو از سویی و جم و اژی‌دهاک از سوی دیگر انجام بدهیم به نتیجه‌ای مشابه می‌رسیم. بدین ترتیب که هستی و نیستی در دنیای مینوی با آفرینش سپندمینو و انگره‌مینو همزاد در کنار یکدیگر و در تقابل با هم تجلی می‌یابد. آنکه خیر را انتخاب کند به هستی و آنکه شر را انتخاب کند به نیستی دست می‌یابد. در دنیای مادی نیز جم نگهدار هستی مادی و فزونی‌بخش آن است و همواره خواهان جاودانگی و دور کردن مرگ از مردمان است. درست برعکس جم، اژی‌دهاک همواره به دنبال مرگ همه آدمیان، موجودی بر ضد جهان مادی و مرگ‌آفرین است. از سویی دیگر واژه «جم» به معنی «همزاد» است که می‌تواند اشاره به وجود دو نیمه توأم در شخصیت او باشد که در *اوستا* به صورت جم و پادشاهی نیک او پدیدار شده که عاری از مرگ و سختی است و در *ودا* در شخصیت یمه که او را پادشاه جهان مردگان کرده است. همچنین تضادی آشکار بین جم و اژی‌دهاک در *اوستا* و جمشید و ضحاک در *شاهنامه* دیده می‌شود. یکی نمادی از پادشاهی اهورایی و دیگری اهریمنی. در *شاهنامه* زندگی جمشید پس از پدیدار شدن ضحاک با زندگی پنهانی و با دونیم شدن پایان می‌یابد انگار که آغاز ضحاک پایان جمشید است. شخصیت دوگانه جمشید در پژوهش‌های پیشین

اسطوره‌شناسی نیز ثابت شده است بنابراین می‌توانیم دو شخصیت نیک و بد توأم را در جمشید تشخیص بدهیم که مانند دو مینوی توأمان خیر و شر در اوستاست. این دو مینو که کاملاً متضاد یکدیگرند می‌توانند الگویی مینوی برای جم و اژی‌دهاک/ جمشید و ضحاک باشند که در دنیای زمینی به صورت نمونه‌ای از دو نوع پادشاهی نیک و بد نمودار شده‌اند.

با جمع‌بندی مطالب یاد شده می‌توانیم نتیجه بگیریم که در شاهنامه و اوستا الگویی مینوی قابل تشخیص است که شخصیت‌های مادی از آن پیروی کرده و ویژگی‌های آن الگو است که در مرتبه زمینی در شخصیت‌های مادی مثل زردشت، جمشید و اژی‌دهاک بروز می‌کند.

کتابنامه:

- آبان یشت (سرود اوستایی در ستایش اردوی سوراناهید) (۱۳۹۲). ترجمه چنگیز مولایی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۰). تاریخ اساطیری ایران. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- چهارمحالی، محمد؛ شعبان‌زاده، مریم؛ حسن‌آبادی، محمود (۱۳۹۸). «تحلیل تقابل دوگانه در داستان جمشید بر پایه نظریه لوی استروس». فصلنامه متن‌شناسی ادب فارسی. دوره جدید. سال یازدهم. شماره اول. پیاپی ۴۱. صص: ۱۵-۳۵.
- ذبیحی، رحمان؛ پیکانی، پروین (۱۳۹۷). «تحلیل شخصیت دوگانه جمشید در روایات اساطیری از منظر نقد ساختارگرا». پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت. سال ۷. شماره ۲. صص: ۳۹-۵۵.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۹۷). دستور زبان اوستایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۰). شاهنامه. ج ۴. تهران: گلستان کتاب.
- عالیخانی. بابک (۱۳۷۹). بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستایی. تهران: هرمس.
- (۱۳۸۹). «توحید هندوایرانی». پژوهشنامه عرفان. سال دوم. شماره سوم. صص: ۸۴-۱۰۵.

الگوهای مینوی شخصت‌های گیتی؛ مطالعه موردی: زردشت، جم و ازی‌دهاک ۹۹

کلنز، ژان (۱۳۹۹). «جم و مرگ». مقالاتی درباره زردشت و دین زردشتی. ترجمه و تدوین از فرانسه به انگلیسی پروفیسور پردز اکر شروو. ترجمه از انگلیسی: احمدرضا قائم مقامی. چ ۴. تهران: فرزبان روز. صص: ۱۱۹-۱۲۲.

گرشویچ، ایلیا (۱۳۹۶). «سهم خود زردشت». آموزه و آیین زردشت. ترجمه منیژه ادکابی و جواد دانش‌آرا. تهران: ثالث. صص ۳۱-۷۸.

یشت‌ها (۲۵۳۶). ترجمه ابراهیم پورداود. ج ۲. چ ۳. تهران: دانشگاه تهران.

Anthoiz, S. (2017). "Création et Mazdéisme Confrontation Des Conceptions Achéménide, Gāthique et Biblique". *Transeuphratène*. No. 49. pp: 33-55.

Bartholomae, Ch. (1904). *Altiranisches Wörterbuch*. Strassburg: Verlag von Karl J. Trubner.

Boyce, M. (1975). *A history of Zoroastrianism*. Vol. I. koln: Brill.

The Gāthās of Zarathushtra and the other old Avestan Texts (1991). Tr. H. Humbach I, II. Heidelberg: Carl Winter Universitätsverlag.

Humbach, H. (1957). "Ahura Mazdā un die Daēvas". *Wienerzeitschrift für die Kunde Süd und östasiwns*. No1. pp : 81-94.

Humbach, H. (1991) → *The Gāthās of Zarathushtra and the other old Avestan Texts*

Kellens, J. & Pirart, E. (1988). *Les Textes Vieil Avestiques*. Vol. I. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.

Kuiper, F. B. J. (1957). "Avestan Mazdā". *Indo-Iranian Journal*. Vol. 1. No. 1. pp: 95-96. <http://www.iranicaonline.org/articles/ahura-1-type-of-deity>

----- (2011). "AHURA," *Encyclopædia Iranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/ahura-1-type-of-deity>

Les Livre de L'Avesta, Les Textes sacrés des Zoroastrien ou Mazdéens. (2016). Présentes, traduits et annotés par Pierre Locoq. Paris: Les édition du Cerf.

Reichelt, H. (1911). *Avesta Reader, Texts, Notes, Glossary and Index*. Strassburg: Walter de Gruyter & Co.

Skjærvø, P. O. (2002). "Ahura Mazdā and Ārmaiti, Heaven and Earth, in the Old Avesta Author(s)." *Journal of the American Oriental Society*. Vol. 122, No. 2, Indic and Iranian Studies in Honor of Stanley Insler on His Sixty-Fifth Birthday pp: 399-410.

۱۰۰ پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی، سال سوم شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱

Watkins, C. (1995). *How to kill a Dragon. Aspects of Indo-European Poetics*.
New York: Oxford University Press.
Zamyād Yašt. Yašt 19 of the Younger Avesta. Text, Translation, Commentary.
(1998). Tr. H. Humbach. & P. R. Ichaporia. Wiesbaden: Harrassowitz Verlag.

**Spiritual Patterns of Material Characters;
Case study: Zoroaster, Jam and Aži dahāka**

Mina Kambin*

Abstract

In the *Avesta*, two worlds can be distinguished, material and spiritual. The spiritual world includes sacred beings, Ahuramazda, Amshaspands and Yazatas. Ahuramazda is at the top and obviously more powerful than the others. Just after Ahuramazda, Spənta mainiiu appears very close to Ahuramazda. Angra mainiiu is also related but opposite to Spənta mainiiu. On the other hand, the material world also includes characters that Zoroaster is at the top. Zoroaster is the highest material personality. Jam and Aži Dahāka are the well-known Avestan figures among the material world. It seems that a heavenly pattern can be seen in Zoroaster's character which has made based on Ahuramazda's character and the same issue can be seen in the case of Spənta mainiiu and Angra mainiiu with Jam and Aži Dahāka. The purpose of this article is to study these characters and find their similarities to prove the existence of a spiritual pattern in their material characters. For this purpose, first, the characteristics of Ahuramazda, Zoroaster, Spənta mainiiu and Angra mainiiu, Jam and Aži Dahāka are examined, then their similarities are studied. In the end, we will see that these material characters follow a heavenly and spiritual pattern in the *Avesta*. Descriptive-analytical method has been used for analysis and conclusion in this research. This research is based on Avestan evidence but help has also been taken from the *Shahnameh* in the case of Jam and Aži Dahāka.

Keywords: Jamshid; Zahak; zoroaster; *Avesta*; *shahnameh*; spiritual world; material world.

* Ph. D. in Ancient Culture and Languages of Iran, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. minakambin@yahoo.com